

جهان‌شناسی

سلسله مراتب امنیت

سه‌شنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

وزارت دفاع

شمارهٔ ۴۱۲۰

سامانه خبری

WWW.FDN.IR

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

FARHIKHTEGANDAILY



جهان‌شناسی، شاخه‌ای از علم است که به بررسی و تحلیل ساختار، فرآیندها، و تأثیرات امنیت در یک سیستم یا جامعه می‌پردازد. این شاخه به بررسی عواملی که به امنیت یک سیستم یا جامعه می‌تواند آسیب بزند یا آن را تقویت کند، می‌پردازد.

سجاد عزازاده ^{منرج}

شینا چستنتا گریتنس دانیشیار مدعو مرکز مطالعات قدرت زمینی چین در کالج جنگ ارتش آمریکا و آیزاک کاردون پژوهشگر ارشد مطالعات چین در اندیشکده کارنگی، در مقاله «بازی با هر دوطرف رقابت چین و آمریکا» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده، به بررسی کششگری چین و ایالات‌متحده در عرصه تأمین امنیت کشورهای دیگر پرداخته‌اند و با طرح این مشاهده که تمرکز واشنگتن بر امنیت خارجی کشورها و تأمین امنیت نظامی منطقه‌ای آنهاست اما پکن ابزارهای لازم برای مبارزه با بی‌نظمی اجتماعی و مخالفت‌های سیاسی را در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد، به شکل‌گیری پدیده جدیدی پرداخته‌اند که در آن کشورها- برخلاف دوران جنگ سرد که به بلوک‌های امنیتی متصلب تعلق داشته و مسکو واشنگتن امنیت یک گروه از کشورها را تأمین می‌کردند- برای تأمین امنیت خارجی به آمریکا تکیه دارند و امنیت داخلی خود را نیز با کمک چین فراهم می‌آورند.

□ □ □

وانگ شیائو‌خونگ، وزیر امنیت عمومی چین در سفری در بوداپست در اواخر فوریه دیداری با ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان داشت تا ترتیبات امنیتی دوجانبه بین پکن و بوداپست اجرایی شوند. چین و مجارستان توافق کردند در زمینه اجرای قانون، امور پلیسی و مبارزه با تروریسم با یکدیگر همکاری کنند و به این ترتیب روابط امنیتی در مرکز روابط دو کشور قرار گرفت.

این توافق از بسیاری از جهات گیج‌کننده به‌شمار می‌رود، زیرا مجارستان عضو یک اتحاد امنیتی (ناتو) است که از آن دربرابر حملات مسلحانه محافظت می‌کند اما حقیقت این است که روابط امنیتی بوداپست با پکن و واشنگتن نمونه بارز یک روند جهانی به‌شمار می‌رود. همپوشانی روابط امنیتی به‌طور فزاینده‌ای رایج شده است. طیف متنوعی از کشورها مانند پاپوا گینه‌نو، سیرالئون، امارات متحده عربی و ویتنام همزمان با چین و ایالات متحده همکاری امنیتی دارند.

توضیح جزئی این پدیده ساده است؛ پکن و واشنگتن محصولات امنیتی مختلفی ارائه می‌کنند که منعکس‌کننده مفهوم متمایز امنیت نزد آنها و انواع حمایت‌هایی هستند که هرکدام به بهترین وجه قادر به ارائه هستند. ایالات متحده امنیت خارجی کشورها را تقویت و از شرکای خود دربرابر تهدیدات منطقه‌ای محافظت نظامی می‌کند؛ درحالی‌که چین تأمین‌کننده امنیت داخلی است و به دولت‌ها ابزارهای لازم برای مبارزه با بی‌نظمی اجتماعی و مخالفت‌های سیاسی را ارائه می‌کند. حتی با وجود اینکه تعامل این دو کشور متفاوت است، اما هر دو از روابط امنیتی با سایر کشورها با هدف نفوذ در آنها استفاده می‌کنند؛ امری که رقابت ایالات‌متحده و چین را تشدید کرده و خطر اشتباه محاسباتی را افزایش می‌دهند. واشنگتن و پکن از طریق حمایت‌هایی که به کشورهای ثالث ارائه می‌کنند، ایده‌های خود را درباره نقش مناسب امنیت در جوامع نیز بیان می‌کنند. سیاستگذاران ایالات متحده باید نحوه مدیریت این رقابت جدید را فراگیرند و از مشارکت‌های امنیتی خود برای پیشبرد انواعی از امنیت استفاده کنند که به دموکراسی یا حقوق بشر آسیب نرساند.

ممکن است برای یک کشور همکاری امنیتی با دو قدرت بزرگ که مستقیماً درحال رقابت با یکدیگرند، خطرناک به‌نظر برسد. اگر کشور ملذذوک یک قدرت بزرگ کمک‌های امنیتی قابل اعتمادی دریافت کند، بررسی همکاری با قدرت دیگر می‌تواند روابط موجود را به خطر بیندازد. بااین حال بسیاری از کشورها به جای انتخاب تنها یکی از این دو، دست‌نیاز به‌سوی هر دو کشور ایالات متحده و چین دراز کرده‌اند؛ امری که تاکنون واشنگتن و پکن هم آن را مشروع دانسته‌اند.

کشورها از آن رو قادر به دنبال‌کردن همزمان این رابطه دوشاخه بوده‌اند که این دو شاخه امنیتی اغلب در تعارض مستقیم با یکدیگر نیستند. پیشنهاد امنیتی اصلی ایالات متحده امنیت منطقه‌ای است؛ واشنگتن از متحدان و شرکای خود دربرابر همسایگان تهدیدکننده دفاع می‌کند، بازدارندگی هسته‌ای گسترده‌ای را فراهم می‌آورد و با گروه‌های تروریستی فراملی مبارزه می‌کند. امری که به شدت بر مزیت‌های واشنگتن در توانمندی‌های نظامی پیشرفته تکیه دارد. واشنگتن شبکه‌ای از متحدان را با معاهدات دفاعی متقابل و سایر شرکات‌های امنیتی دوجانبه ایجاد کرده تا با چالش‌های صلح و ثبات، ازجمله تهدیدات چین و کره شمالی در شرق آسیا، ایران در خاورمیانه و روسیه در اروپا مقابله کند.

وزارت دفاع معمولاً تلاش‌های امنیتی بین‌المللی ایالات متحده را به پیش می‌راند. این نهاد با وزارتخانه‌های دفاع و نیروهای مسلح دیگر کشورها همکاری می‌کند و از این روابط برای قدرت‌افکنی نظامی ایالات متحده در مناطق اولویت‌دار استفاده می‌کند، البته اجرای قانون و همکاری‌های اطلاعاتی در مشارکت‌های امنیتی ایالات متحده نقش دارند اما تمرکز بر تهدیدهای خارجی، مانند تروریست‌های فراملی است.

این درحالی است که محصول چین برای دولت‌های خارجی امنیت داخلی و امنیت رژیم است. پکن از طریق همکاری در زمینه اجرای قانون و اقدامات امنیتی عمومی مانند نظارت دیجیتال، آموزش پلیس و مدیریت شورش به شرکای خود کمک می‌کند تا کنترل خود را در داخل کشور حفظ کنند. چین درتلاش برای تکرار و تقلید از شبکه اتحاد‌های نظامی ایالات متحده نیست، مثلاً در خاورمیانه، پکن تا حد زیادی جایگاه واشنگتن، به‌عنوان رهبر امنیت منطقه را محترم شمرده است. چین در ارتباط‌گیری اخیرش با مجارستان نیز خود را به‌عنوان جایگزینی برای قدرت نظامی ایالات متحده در اروپا مطرح نکرده است. آژانس‌های امنیت داخلی چین کانال‌های همکاری دوجانبه‌اش را باتمرکز بر ثبات داخلی و کنترل سیاسی ایجاد کرده‌اند. البته در همکاری‌های امنیتی ایالات متحده و چین با شرکای خارجی خود همپوشانی نیز وجود دارد. پکن در مبادلات سنتی نظامی، فروش تسلیحات و شرکت در تمرینات نظامی مشترک و امور آموزشی با کشورهایی مانند بنگلادش، کامبوج، ایران، میانمار و روسیه همکاری دارد. چین هم مانند ایالات متحده دیپلماسی دریایی منظمی را برای اظهار حضور نظامی و توانایی‌های خود انجام می‌دهد. برخی کشورها، ازجمله پاکستان و تایلند کمک‌های نظامی قابل‌توجهی هم از پکن و هم از واشنگتن دریافت کرده‌اند. به‌علاوه چین و ایالات متحده هر دو توجه زیادی را برای کمک به ارتش‌های کشورهای شریک خود با هدف توسعه ظرفیت آنها برای عملیات‌های امداد‌رسانی در بلایا و کمک‌های بشردوستانه مصروف می‌دارند.

اما این همپوشانی قطعه کوچکی از یک تصویر بزرگ‌تر است که در آن ایالات متحده و چین تحت پارادایم‌های امنیتی کاملاً متفاوتی عمل

اعضای پیمان آتلانتیک شمالی به دنبال قراردادهای امنیتی با چین هستند

ناتوی ناتوان



می‌کنند. واشنگتن و پکن هر دو اهداف امنیت ملی گسترده‌ای را بیان کرده‌اند که تا حدی ناشی از ادراک آنها از دیگری به‌عنوان یک تهدید است اما هرکدام از ایده‌های خود درباره چستی امنیت و چگونگی دستیابی به آن برخوردارند.

ایالات متحده بر امنیت منطقه‌ای، توسعه و استقرار قدرت نظامی برای کمک به شرکای خود برای ایجاد موازنه، بازدارندگی و مبارزه با تهدیدهای خارجی مانند تجاوز روسیه به اوکراین و پیشبرد قابلیت‌های هسته‌ای و متعارف نظامی پیونگ‌یانگ در شبه‌جزیره کره متمرکز است. سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۲ ایالات متحده بر اهمیت «شبکه بی‌پدیل اتحاد‌ها و مشارکت‌های آمریکا، و نقش نیروهای مسلح این کشور در «پشتیبانی از دیپلماسی، مقابله با تجاوز، بازدارندگی دربرابر درگیری، قدرت‌افکنی و حفاظت از مردم آمریکا و منافع اقتصادی آنها، تأکید دارد و کمتر بر مسائل امنیت داخلی، مانند تهدید امنیت عمومی

ناشی از جنایات خشونت‌آمیز متمرکز است. به علاوه برخلاف راهبرد ایالات متحده درطول جنگ سرد، کمک به نیروهای سروکبگر امنیتی داخلی را- که ممکن است دیکتاتورهای «دوست» را در قدرت نگه دارند- ترویج نمی‌کند.

بااین حال مفهوم امنیت ملی شی جین‌پینگ، رهبر چین مبتنی بر «امنیت سیاسی» است، حفاظت از نظام سوسیالیستی، رهبری حزب کمونیست و شخص شی. برای او امنیت به چیزی نیاز دارد که آن را رویکردی «جامع» می‌خواند و اولویت را به تهدیدهای داخلی و امنیتی رژیم می‌دهد. براساس گزارش شی به بیستمین کنگره حزب ملی حزب کمونیست چین در سال ۲۰۲۲، بعد بین‌المللی که بر تفکر امنیت ملی ایالات متحده غالب است، در چین تنها به‌عنوان «پشتیبانی» برای آنچه در درجه اول یک پروژه داخلی است، عمل می‌کند. چین بسیار بیشتر از ایالات متحده به سازمان‌های مجری قانون، شبه‌نظامی و پلیس مخفی خود برای اجرای سیاست‌های امنیتی متکی است. پکن به‌طور فزاینده‌ای آماده و مایل به همکاری با شرکایی است که خواسته‌های امنیتی مشابهی را دارند.

— دو حامی بهتر از یک حامی است

قدرت‌های متوسط و کوچک زیرک می‌توانند از این رقابت امنیتی نابرابر ایالات متحده و چین استفاده کنند. تا زمانی که هر دو این قدرت‌های بزرگ، کالاهای امنیتی خود را بدون درخواست ترتیبات انحصاری ارائه کنند، کشورهای ثالث می‌توانند از مزایای آن بهره‌برند. مجارستان یک مورد گویاست. سیاست چین این کشور مدت‌هاست که از سیاست شرکای اروپایی آن متفاوت است. مجارستان اولین کشور عضو اتحادیه اروپا بود که در طرح کمر بند- جاده چین شرکت کرد. بوداپست با ممانعت از کمک اروپا به اوکراین و به تأخیر انداختن الحاق سوئد به ناتو در حمایت ضمنی از اهداف روسیه نشان داد که مایل است قدرت‌های بزرگ را به رقابت با یکدیگر وادار تا از آنها امتیاز بگیرد. بوداپست تاکنون توانسته این موازنه را حفظ کند. مجارستان به‌عنوان یک متحد ناتو از امنیت خارجی ارائه‌شده توسط ایالات متحده برخوردار است اما از آنجا که دولت اوربان برای تضعیف نهادهای دموکراتیک مجارستان تلاش می‌کند، این کشور از مشارکت امنیتی داخلی با پکن نیز بهره می‌برد؛ به طوری‌که به‌زودی شاهد گشت‌زنی پلیس چین در خیابان‌های مجارستان خواهیم بود.

خود این نکته گویاست که پکن رئیس پلیس داخلی اش- و نه وزیر دفاع یا امور خارجه‌اش- را برای بحث درباره همکاری‌های امنیتی به بوداپست اعزام کرد. در دیدار با وانگ وزیر امنیت عمومی چین، ساندور پینتو وزیر کشور مجارستان با تأکید بر «تضمین امنیت و ثبات» به‌عنوان پیش‌نیاز روابط خوب، سخنان رسمی چین را تکرار کرد. این اظهارات حداقل تا حدی این گزارنی اوربان را منعکس می‌کند که تعامل مجارستان با ایالات متحده ممکن است به اپوزسیون لیبرال قدرت دهد تا رژیم او را به چالش بکشد. اگرچه شرکات بوداپست با پکن و واشنگتن در برخی موضوعات، مانند مبارزه با تروریسم از همپوشانی برخوردار است اما مجارستان به‌طورکلی دلایل متفاوتی برای حفظ هرکدام از این دو رابطه داشته و انتظارات متفاوتی نیز از هرکدام از دو شریک امنیتی خود دارد.

اوربان ممکن است در به‌رخ کشیدن روابط امنیتی دوگانه مجارستان از بسیاری از رهبران جهان بی‌پرواتر باشد اما مجارستان تنها کشوری نیست که همزمان مقصد توجه و منابع آمریکایی و چینی هم به‌شمار می‌رود. ویتنام هم این‌گونه است. سیتامیر گذشته، زمانی که جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده در هانوی بود، ایالات متحده و ویتنام اعلام کردند روابط خود را به یک «مشارکت راهبردی جامع» ارتقا خواهند داد که شامل همکاری نزدیک بین نهادهای دفاعی ایالات متحده و ویتنام نیز خواهد شد.

هانوی و واشنگتن به‌طور پیوسته همکاری‌های امنیتی خود را در دهه



حکمرانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، کمک‌های امنیتی چین می‌تواند مشکلات مشروع را حل کند، بهبود نظم عمومی و اعمال حاکمیت قانون اغلب علاوه‌بر حاکمان به‌نفع شهروندان نیز هست اما همین کمک‌ها می‌توانند منجر به تقویت سرکوب و حاکمیت غریزموکراتیک نیز شوند، مثلاً برنامه‌های آموزشی پلیس چین می‌تواند تاکتیک‌های مفیدی را به مجریان محلی قوانین آموزش دهد و درعین‌حال می‌تواند منجر به انتشار نگاهی موعع نسبت به کششگری پلیسی سیاسی شود که نتیجه آن عادی‌سازی و تشجیح سرکوب باشد. در همین چهارچوب، پروژه «شهر امن» چینی می‌تواند به کنترل جرائم شهری و امنیت عمومی کمک کند اما علاوه‌بر این می‌تواند ابزارهایی را برای دریایی مخالفان و سرکوب مخالفان سیاسی فراهم آورد. رهبران اقتدارگرا، به‌طور ویژه، بیم دارند که کمک‌های امنیتی منطقه‌ای ایالات متحده با عوارض جانبی ناخواسته همراه باشد. به‌نظر آنها همکاری با ایالات متحده می‌تواند مجرایی برای ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی شود؛ اتفاقی که شاید از امنیت حکومت آنها بکاهد. در این حالت رهبران کشورهایی مانند ویتنام سعی می‌کنند با مراجعه به چین برای دریافت کمک در امور امنیت داخلی و کنترل سیاسی این تهدید را خنثی کنند. پکن

هم با نگرانی‌های امنیتی رژیم هانوی همدلی دارد و از این فرصت برای پیشبرد همکاری‌های دوجانبه خود استفاده می‌کند، بنابراین همکاری دفاعی ایالات متحده با کشورهای خودکامه ممکن است به‌طور غیرمستقیم آنها را تشویق کند تا همکاری‌های امنیتی داخلی عمیق‌تری را با چین دنبال‌کنند و به این ترتیب راه‌های جدیدی برای نفوذ چین باز شوند.

ابتکارات همکاری امنیتی ایالات متحده و چین می‌تواند بر اثر تلاقی، رقابت بین دو کشور را تشدید کند. استراتژیست‌هایی که استدلال می‌کنند وابستگی متقابل اقتصادی بین ایالات متحده و چین از شدت رقابت آنها در مقایسه با دوران جنگ سرد خواهد کاست، تفاوت اساسی میان روابط امنیتی امروز و بلوک‌های امنیتی قرن بیستم را نادیده می‌گیرند. از آنجا‌که واشنگتن و پکن به‌طور فزاینده‌ای کالاهای امنیتی را در اختیار شرکای یکسانی قرار می‌دهند، منافع آنها ممکن است در سطح محلی با یکدیگر تضاد پیدا کند. این حضور دارای همپوشانی می‌تواند منجر به افزایش خطر اشتباهات محاسباتی شود، مثلاً مقامات دفاعی ایالات متحده شاید به روابط خود با همتایان‌شان در هانوی اطمینان داشته باشند، زیرا مقامات دفاعی ویتنام واقعاً ممکن است راهبرد امنیت منطقه‌ای را برای مقابله با تجاوزات ارضی چین در دریای چین جنوبی در اولویت قرار دهند اما بخش‌های دیگر دولت در هانوی، مانند نخست‌وزیر که پیشینه‌اش فعالیت در اطلاعات و امنیت داخلی را دارد، به شدت با پکن همکاری می‌کنند تا بقای رژیم کمونیستی ویتنام را تضمین کنند، درنتیجه شاید واشنگتن اهرم‌های فشار خود را دست بالا بگیرد؛ زمانی که فشار وارد می‌شود، رهبران ویتنام ممکن است شریکی را‌که به آنها کمک می‌کند از جزایر دورافتاده خود محافظت کند، بر شریکی که مانع سرنگونی یا کشته شدن آنها از سوی مخالفان داخلی می‌شوند، ترجیح ندهند.

این ترکیب متفاوت، نامطمئن و بالقوه ناپایدار از رقابت و مکمل یکدیگر بودن در مشارکت‌های امنیتی ایالات متحده و چین، چالشی را برای سیاستگذاران واشنگتن ایجاد می‌کند. در مواردی که کشورها از مفاهیم، تاکتیک‌ها و فناوری‌های چینی در حوزه امنیت ملی برای سرکوب حقوق بشر و تشدید کنترل اقتدارگرایانه استفاده می‌کنند، واشنگتن نمی‌تواند و نباید وارد رقابتی مشابه شود.

اما در مواردی که پکن به کشورها کمک می‌کند تا با مشکلات امنیتی مشروع خود مقابله کنند- مانند سطوح بالای جنایات خشونت‌آمیز- واشنگتن باید راه‌حل‌های جایگزینی را ارائه دهد که این مشکلات را بدون ایجاد امکان فرسایش دموکراتیک یا افزایش فرصت‌های سرکوب حل کند. درصورتی‌که کشورهای ملذذوک به دریافت کمک از چین در حوزه امنیت داخلی ادامه دهند- امری که احتمالاً از سوی برخی کشورها انجام خواهد گرفت- ایالات متحده و شرکای آن باید با آنها برای ایجاد پادمان‌هایی مانند نهاد‌های نظارتی برای حمایت از دموکراسی و حقوق بشر همکاری کنند. بااین حال واشنگتن ابتدا باید یک بررسی کشور به کشور انجام دهد تا کشورهایی را که در هر دسته قرار می‌گیرند شناسایی کند. هر کشور مجموعه‌ای از الزامات امنیتی خاص خود را دارد که هرکدام به یک راه‌حل جداگانه نیاز دارند. آمریکا و شرکای آن قبل از اینکه بتوانند جایگزین‌های مناسبی را ارائه دهند، نیاز به داشتن درکی بهتر از نحوه پاسخگویی امنیتی چین به تقاضای تک‌تک کشورها دارند. درنهایت، ایالات متحده باید تصمیم بگیرد که کجا و چگونه رقابت و مشارکت‌های خود را به‌گونه‌ای ایجاد کند که هم امنیت بین‌المللی را تثبیت کرده و هم از دموکراسی و حقوق بشر محافظت کند. البته این شکل از رقابت جهانی تا مدت‌ها تداوم خواهد داشت.